

یک قاعدہ کلی وجود دارد و آن این است که

اشد، اتفاقی که در جامعه میافتد این است که امنیت اقدامات مجرمانه هم بیشتر میشود.

واقعیتی وجود دارد که در ایران، رفتارهای بسیار

زیادی را جرم قلمداد می کنیم و افراد زیادی که

آن اعمال را مرتکب میشوند، درِ دایره مجرمان قرار میدهیم. بهعنوان نمونــه، آماری که بعضا

ماهواره استفاده می کنند و این سخن چیزی نیست که پنهان باشد. بارها در روزنامهها و

ر رسانه های رسمی کشـور این موضوع را دیده و شــنیدهایم. حالا وقتی این اقدام، یعنی استفاده

از آنتــن ماهواره در قانون بهعنـــوان جرم تعریف

شده است، به این معناست که افراد زیادی در جامعه ما مجرم هستند. حالا شــما می توانید

این را گســترش و به سایر حوزهها تعمیم دهید.

این را مستورس و به سیر عوراناه تعلیم تعلید مثال دیگـر در حوزه موسیقی است که نوع خاصی از موسیقی در کشور از دهه ۴۰ بهعنوان موسیقی غیرمجاز شیناخته شده است.اما

واقعیت اجتماعیی را که نمی توان نادیده گرفت.

ــيقَى غيرمجاز گــوش مىدهند. وقتى

فراد بســیار زیــادی در همین جامعه هس

می گوییم «غیر مجـاز» یعنی قانونی نیس

مجــوز ندارد و به عبــارت دیگر وقتــی فردی به

این موسیقی گوش می کند، درحال انجام فعل مجرمانه است. مورد دیگری که می توان مثال زدفیس بوک است. من از فردی شنیدهام که

۱۷میلیون کاربسر ایرانسی در فیسبوک حضور

دارند. فیس بوک در ایران فیلتر است و افراد باید

برای ورود به فیس بوک از فیلتر شکن استفاده

کنند؛ اُستفاده از فیلتر شکن نیز جرم است. بااین تفسیر، صرفا در این حوزه، ما ۱۷ میلیون مجرم

داریم. لذا وقتی تعریف جرم تا این اندازه وسیع باشد

و رفتارُهای مجَرمانه این قدر موسع توصیف شود،

بهنظر می رسد اتفاق خوبی در پیشگیری از جرم نمی فتد. این نکته اولی است که به نظرم باید از

ی ... ر ی ... به این معنا که جرایم، به قانون، جرمزدایی شود. به این معنا که جرایم، به چیزهایی اطلاق شـود که واقعا امنیت و حقوق

نهادها یا اشخاص رسمی ارایه می کنند، مبن ، این است که خانوادههای زیادی در ایران از آنتن

در امتداد کمپین «نه به تصادف» بكذاريدواقعبين باشيم

ن مسیر زندگیشان میشود،اتوبان بهش بایی که به بهشـــتهای دیگر میرسند . بازماندگان کشتار رامی گویم...



شهرىشلوغ كه آرامشدارد ن شهرم را دوست دارم. تهران برای من پر از خاطرات فراموش ناشدنی است. برخلاف کسانی که می گویند، تهران پراز آلاینده، پرازیت و سروصداست..

. دریازدگیودلزدگی | برشی از کتاب «زنده به گور وحضور دانشگاه آزاددر حريم تخت جمشيد

۱۲ در صفحه ۱۲ بخوانید...

، همه ما، متاثر از روابط انسانی هس



سودی دارد؟ فرضا فردی که به واسطه پرداخت

نکردن مهریه به زندان می رود، زندانی شدنش چه کمکی به حال جامعه، خانواده و سلامت آن

و چه کمکی به حال همسرش می کُند؟ واقعیت

ين است كه هيچ! هيچ كس نمى تواند ادعا كند

ین است که مینج مدین سی مینی واندان که که کسی که این زندانی شدن ، می تواند کهکی به کسی بکند. نه مهریهای به کسی پرداخت می شود، نه سلامت روانی به کسی داده می شود و نه هیچ چیز

بسر. از نــگاه من، مســأله مهم این اســت که جای

مجازاتهای جایگزین در قانون ما بسیار خالی است. هرچند بسیاری از قضات معتقدند که

همین قانون های موجود امکان استفاده از

مجازاتهـای جایگزین را میدهنــد اما بهنظر

بــرای آن فراهم شــود. بهطور مثــال از دیدگاه

که یک اقدام خشونتبار انجام داده این است که

باید خودش را درمان کند و اگر قرار باشد فردی

را مکلف به درمان خود کنیم، باید مراکز درمانی وجود داشته باشد. باید درمانگر خبره وجود

داشته باشد. در بسیاری از قسمتهای دنیا، اگر

ـد باید زمینه اجتماعــی و امکانات لازم

ودم، یک مجازات جایگزین برای فردی

آلاحمدوپرسا كەھنوزباقىاست

در صفحه ۱۱ بخوانید...

رجمه مقالهاي از روز نامه لومو تغييرات آبوهوا واقعيتىانكارشده



جاي مجاز اتهاي جايگزين خالي است

اســت عدهای بگویند بهطور مثال، ممکن است فيس بوك موجب برهم خور دن امنيت اجتماعي شود؛ مُن این جا کاری به این ندارم که سخن چه کسی درست است اما میخواهم بگویم وقتی از ایسن پُدیده، حسدود ۲۰میلیُون نفر اُس بحرانی و رو بــه انحطاطی دارد کــه ۲۰میلیون میاندازند، در این صورت باید به حال این جامعه ت. فکری اساســـی کرد و نبایـــد در چنین جامعه به دنبال زندان زدايي رفت؛ بلكه بايد زندان ساخت! نکته دیگر کاربرد زندان است. هیچکس در هیچ جای دنیا منگر این نیست که بعضی از افراد را باید زندانی کرد. حتی اگر از دید روانیز شکی نم به این مسأله نگاه کنید، ما در بعضی شرایط یاجنایتمیشوند. باجنایتمیشوند

باید پرسید که در مورد هر جرمی، آیا زندان

ر " کی تا اگر واقعا این جامعه اوضاع نابسامان، مجرم در آن زندگے می کنند و با رفتار خود، امنیت اجتماعے و اخلاقی جامعے را به خطر نیازمندیم که از ایزار کنتر لے خارجی در مورد استفاده کنیم. مثل فرد یا افرادی که مرتکب قتل

• أماری که بعضانهادها یا اشخاص رسمی ارایه می کنند، مبنی بر این است که خانوادههای زیادی در ایران از آنتن ماهواره استفاده می کنند و این سخن چیزی ستستندی ریسی در برین نیست که پنهان باشد. بارها در روز نامعها و رسانههای رسمی کشور این موضوع را دیدو و شنیدهایم حالا وقتی این اقدام بعنی استفاده از آنتن ماهواره در قانون بهعنوان جرم تعریف شده است، به این معناست که افراد زیادی در جامعه ما مجرم هستند.

 وقتی تعریف جرم تا این اندازه وسیع باشید و رفتارهای مجرمانه این قدر موسیع . وضعی مرحب برم بین در و حسین توصیف شود، به نظر می رسد اتفاق خوبی در پیشگیری از جرم نمی افتد، این نکته اولی است که به نظرم باید از قانون، جرم زدایی شود، به این معنا که جرایم، به چیزهایی اطلاق شود که واقعالمنیت و حقوق اجتماعی و خصوصی را تهدید می کنند.

 مسأله مهم این است که جای مجازاتهای جایگزین در قانون ما بسیار خالی است. دسانه بهای بازی ست به جای مجرات های چنجرین در مونون به بسیار حالی است. هرچند، سیباری از قضات محققت که همیراتفورهای موجود اماکان استفاده این مجازات های جایگزین را می دهند اما یا بغظر می رسد باید زمینه اجتماعی و اماکات بازی فرودی که یک اقفام خصوصت باز انجدا امار است که باید خودش را در مان کند واگر قرار باشــد فردی را مکلف به درمان خود کنیم، باید مراکز درمانی وجود داشته

•اگر قرار بود وضع و اجرای قوانین سخت و محکم باعث پیشگیری جرم و جنایت شود، تاكنون بايداين اتفاق مي افتاد.

افراد خطایی انجام دهند، به جای زندانی کردن، آنها را مجبور به انجام دادن خدمت اجتماعی می کنند؛ «تو به جامعه آسیب رساندی، پس باید به جامعه خدمت کنی».

آيا ما زمينه هاي رسمي فعاليت هاي داوطلبانه را به اندازه کافی تعریف کردهایم؟ به نظر بنده، بستر اینها در جامعه وجود دارد؛ اما باید کانالیزه و مديريت شود. افراد سراغ يک کار داوطلبانه بروند ه به حامعه خدمت کنند.

. اگر عدهای بگویند که تعریف موسیع جرم، به منظور پیشگیری از آن است، من اینطور پاسخ می دهم کـه تاریخ جـدا از علم روانشناســی و ی رانشناسی اجتماعی، کاملا می تواند ضد این مساله را اثبات کند. تجربههای تاریخی نشان دادهاند که نه فشـار و نه قوانیــن تح به هیچ وجه نمی توانند از جرم پیشگیری کنند. چرا که اگر می توانست جلو گیری کند در موارد بسیاری این اتفاق می افتاد. مگر بعد از انقلاب، قوانین سنگین و جدی درباره قاچاق موادمخدر وضع و اجرا نشد؟ مگر در مور د افراد قاچاقچے ناد اجرا نشد؟ آیا از میزان اعتیاد کم شد؟ این حرف من نیست؛ حسرف افراد با دیدگاه این حرف من سسس: حسرف «در» بب دید ت دانشگاهی، علمی، قضایی و انتظامی است که مسأله اعتیاد، مسألهای جدی و اساسی در حوزه آسيبهاي اجتماعي است.

با این که تلاش های بســیار ارزشمندی در این

راه صورت گرفته و حتی خونهایی داده شده، امًا واقعیت این است که اتفاقی که باید می افتاده، نیفتاده است. مگر کم پیش آمده که افراد مجرمی " را در ملأ عام مجازات كردهاند؟ آيا از ميزان جرم و جنایت در این کشور کم شده است؟ مگر روز بهروز، خشونتهای فیزیکی و اجتماعی در این کشور بیشتر نشده است؟ به نظر من اگر قرار بود وُضُعَ و اجُراى قوانين ســخت و مُحكم باء پیشگیری جرم و جنایت شوند، تاکنون باید این اتفاق میافتاد. لذا کشورهایی که توانستهاند در این زمینهها موفق شوند، کشورهایی بودهاند که وارد حوزههای آموزش و فرهنگسازی و زدودن فقر و بیکاری شدهاند؛ اما ما ایرانیها که به دنبال رر ... رب نتیجه گرفتنهای آنی هســتیم، از این حرفها خوشــمان نمي آيد. حقيقت اين اسُ کارُ فرهنگی کسرد و آموزش داد و در این صورت، تردیدی وجود ندارد کـه اقدامات ما آنچنان که در بسیاری از کشــورها نتیجه داده نتیجهبخش،

میرهادی قرهسید NOA

اســـلامي ايـــران و راهبردهـــاى قوەقضائيـــه درخصــوص اعمال مجازاتهــای جایگزین و کاهش مجازات حبس، اقداماتی انجام شــده و مکتب حقوق اسلامی - ایرانی به این سمت پیش می رود که در آینده با توجه به اوضاع . زندانهاو تراکموانباشتزندانیان بتوانیم ضم طبقهبندي مجرمان از اعمال مجازات زندان

نیازبهاصلاحقوانینو مچنین تامینبودجهمالی داريم تاطرح فوق به نتيجه د.البته أجراى أين طرحها كەمنتهى بەحبسى زدايى در قوانین کیفری می شود، در کنارمزایاومحا دارد،نگرانیهاییرانیزایجاد می کند. پرسشی که پیش می آیداین است که آیااعمال این گونهمجازاتهابهجای مجازات حبس،اهداف کلاتی کهبرای تادیب یک مجرم وجوددار درامیسرمی کند؟

هستيم واين خلأها بهرغم

بادداشت

نمونیه در برخی از کشیورها به جیای این که

دستبندها و مدارهای الکترونیکی ، رفتار فر د

را در جامعه کنترل کرده و وی را در کارهای

عمومی مشارکت می دهند. برای اجرای این

شيوهها نيازمند فراهمسازي شرايط وامكانات

مناسب هستنج ازحمله آن که نیاز به اصلاح

مجُرم را درُ زندان نگهداری کنند با اس

حبسزدايي بايداولويت همه قواباشد

باتوجه به سیاستهای کلان نظام جمهوری

برای بخش زیادی از محکومان جلوگیری کنیم طی سال های گذشته در حوزه برخورد با اداره زندانها، روشها و كشبورهاى توسعه يافته با توجهُ بــه افزايش دانش حقوقی و قضایی به جای حبـس و زنـدان ابـداع . بی ر ر بی . شده که ما نیز می توانیم از ایسن روش ها استفاده كنيم. ماننداينكه به حاء . فرســـتادن فرد به زندان و یک دوره از زندگی خود به صورت محبــوس، فرد جــرَم در جامعهٔ داشته و نظام قضایی و

انتظامی اُو را به شیوه های مختلف کنترل و حتی در کارهاییمشارکت البته ايسن كارها با تعاريف م جباری تفاوت دارد و می توان افراد را نس به جرمی کــه مرتکب . . . ر ی مختلف مشـغول به کار کرد و به جای این که یک نفر در زندان حضور داشـــته و هزینههای زیادی به جامعه و خانــواده خود تحمیل کند، در این کارها مشارکت داشته و در نهایت سود و منفعت آن به کل حامعه باز گردد. به عنوان

قوانین و همچنین تامین بودجــه مالی داریم تا طرح فوق به نتیجه برسد. البته اجرای این طرحها که منتهی بـه حبس زدایی در قوانین کیفری میشـود، در کنار مزایا و محاسنی که دارد،نگرانیهایی رانیز ایجادمی کند. پرسشے که پیش می آیداین است که آیااعمال این گونه مجازاتها به جـای مجازات حبـس، اهداف ۔ کلائی کے بسرای تادیہ عربی ۔ . ر ۔ یک مجرم وجـود دارد را عملان که میسرمیکند؟مثلااینکه دیگــر کســی بهراحتی جرأت ارتكاب اين جرايم انداشته باشد. آبا اگ

م تکب شدهاند، زندانی نشوند، در جامعه اثر منفی نمی گذارد؟ برای رُفع این نگرانیها بایــد در زمــان تدویــن و تصویب قوانیس ایسن نکتـه را مدنظـر قـرار دھىم كے محازاتھا بايد همچنین در این مورد ما با خلأهای قانونی نیز روبهرو

. فراد بهخاطر جرایمی که

توجه ویژهای که طی سالهای آخیر مجلس و قُوهقضاً ئیه برای حبس زدایی داشته اند، موجب شده که قضات ما نتوانند احکام زندان را به اندازهای که مطلوب باشد، کاهش دهند -اسلامی و آیین دادرسی کیفری اصلاحات لازم